

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

ضمیمه شماره ۸۲۲

پنجشنبه ۱۳ تیر ۱۳۹۸، ۴ ژوئیه ۲۰۱۹

نقش منصور حکمت در فعالیت های نظامی کومه له

اصغر کریمی



نقش و تاثیرات منصور حکمت در جنبش کمونیستی ایران عظیم و همه جانبه است. در باره جایگاه او در عرصه های تئوریک، سیاسی، برنامه ای، سبک کاری و سازمانی و غیره، هرچند ناکافی، اما بحث های نسبتا زیادی صورت گرفته و اسناد و نوشته های زیادی از خود منصور حکمت منتشر شده است. اما در حوزه هایی مانند نقش او در فعالیت های نظامی کومه له در دهه اول بعد از حاکمیت جمهوری اسلامی تا جایی که من بخاطر دارم، بجز اشارات جسته و گریخته بحث مستقلی ارائه نشده است. از آنجا که از نزدیک شاهد برخی مباحث و اظهار نظرهاي منصور حکمت و تاثیرات مستقیم و مهم او در عرصه فعالیت نظامی کومه له بودم، مدتها بود در نظر داشتم به این موضوع بپردازم. اخیرا به مناسبت سالروز درگذشت منصور حکمت، سیما بهاری در تلویزیون کانال جدید با من مصاحبه ای داشت که متن زیر را بر اساس آن

تنظیم کرده ام. این نوشته تکمیل تر از مصاحبه شفاهی است، نکاتی که یا در بحث شفاهی فراموش کردم و یا فرصت باز کردن آن نبود به این متن اضافه شده و از جمله دو جا از نوشته های منصور حکمت نقل قول شده است، نکاتی را نیز تدقیق کرده ام. اهمیت این مساله از یکطرف بدلیل ناآشنایی نسل جوانی است که اطلاع چندانی از این مساله ندارد و از طرف دیگر تحریفات زیادی است که رهبری کومه له پس از جدایی کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران بدان دست زده است. همینجا اشاره کنم که به نقش سیاسی منصور حکمت در کومه له در فرصت دیگری خواهم پرداخت.

منصور حکمت و زمانه ما

در بزرگداشت منصور حکمت در هضدهمین

سالگرد درگذشت او

سخنران: حمید تقوایی

شنبه ۶ جولای

از ساعت ۲:۳۰ تا ۵:۳۰ عصر

نورت یورک سیویک سنتر، سالن شماره ۲،

۵۱۰۰ خیابان یانگ، تورنتو



حزب کمونیست کارگری ایران - تشکیلات
شرق کانادا

تلفن اطلاعات: ۴۷۱۷۱۳۸ - ۴۱۶



سیما بهاری: در مورد نقش و جایگاه سیاسی منصور حکمت در جنبش چپ و کمونیسم و مشخصا در کومه له خیلی گفته شده و البته باز هم جا دارد که مورد بررسی قرار بگیرد. اما منصور حکمت در عرصه فعالیت های نظامی کومه له نیز جایگاه بسیار مهمی دارد که در این مورد خیلی کم بحث شده است. در برنامه گفتگوی امروز به این جنبه از تاثیرگذاری منصور حکمت و نقش او در این عرصه خواهیم پرداخت و این شروعی خواهد بود برای وارد شدن به این مبحث. میرویم سراغ اصغر کریمی که سالهای زیادی و با مسئولیتهای گوناگون در کردستان و در تشکیلات کومه له بوده است و خودش بخشی از این تاریخ بوده است. نقش منصور حکمت لااقل برای کسانی که در آن تاریخ، یعنی سه چهار دهه قبل حضور داشتند، بیشتر به تاثیرات سیاسی او در کومه له خلاصه میشود. اما در مورد نقش او در فعالیت های نظامی کومه له کمتر صحبت شده و این موضوع کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. نقش منصور حکمت را در عرصه نظامی چگونه ارزیابی میکنید؟

اصغر کریمی: این موضوع مربوط به سه دهه تا چهاردهه قبل است سالهای بعد از قیام

از آن دوره دو جنگ جریان داشت؛ جنگ با جمهوری اسلامی و جنگ بین حزب دمکرات کردستان و کومه له که سالهای طولانی جریان داشت. منصور حکمت بحث های مهمی و نقش قابل توجهی در تدوین استراتژی و نقشه و تاکتیک ها و مشخصات این دو جنگ داشت و اینکه اساسا فعالیت نظامی چه جایگاهی در کل فعالیت کومه له داشت در کنار عرصه های دیگر فعالیتی که یک سازمان کمونیستی باید میداشت. همینطور در مورد مناسبات درونی نیروی نظامی که در آن دوره به آن نیروی پیشمرگ میگفتند، اینکه چگونه باید به نیروی پیشمرگ بعنوان انسان هایی که درگیر جنگ و خطرات آن هستند نگاه کرد، با سنت های ناسیونالیستی چگونه باید مقابله کرد، سنت هایی که متناسب با موقعیت طبقاتی و اجتماعی و سیاسی یک جریان کمونیست باشد چیست، و نکات دیگری که امیدوارم در خلال بحث بتوانیم به همه آنها بپردازیم.

سیما بهاری: اینها نکات گریه هستند که سعی میکنیم به همه آنها بپردازیم. اما همانطور که اشاره کردید این بحث ها مربوط به سه چهاردهه قبل است

۵۷ و دهه شصت. جمهوری اسلامی پس از به قدرت رسیدن دست به حمله نظامی به کردستان زد و نیروهای مسلح هم که پایگاه وسیعی در میان مردم داشتند شروع به مقاومت مسلحانه کردند و از حمایت توده ای وسیعی نیز برخوردار بودند. این بحث به این معنی مربوط به کومه له امروز و اینکه بعد از آن دهه چه اتفاقات سیاسی افتاد نیست. مربوط به دوره ای است که حزب کمونیست ایران تشکیل میشود و منصور حکمت و رفقای دیگری که جزء سازندگان اصلی آن حزب بودند و بعدا حزب کمونیست کارگری را تشکیل دادند، نقش مهمی در کومه له که سازمان کردستان آن حزب بود داشتند. همانطور که در سوال شما مطرح است، ما داریم در باره یک دوره مشخص گفتگو میکنیم. یعنی زمانی که من و منصور حکمت و خیلی های دیگر با کومه له جزو یک حزب و تشکیلات بودیم. بنابراین از همین ابتدا میخواهم تاکید کنم که بحث من به جریاناتی که پس از جدایی کمونیسم کارگری از کومه له بنام کومه له و غیره فعالیت میکنند مربوط نیست.

منصور حکمت از نظر نظامی هم نقش زیادی در کومه له داشت. در سالهایی

خلخالی و جلائی پور و سایر جنایتکاران حکومت دست به اعدام های وسیعی زدند. مردم هم یکپارچه شروع به مقاومت کردند و دست به اسلحه بردند. سازمان های سیاسی چپ و ناسیونالیست یعنی کومه له و حزب دمکرات از حمایت توده ای برخوردار بودند و شروع به مقاومت مسلحانه کردند و به این ترتیب مبارزه مسلحانه بعنوان شکلی از مبارزه عادلانه مردم علیه جمهوری اسلامی برای سالها ادامه یافت. اگر در تهران و سایر نقاط کشور هم مردم آمادگی داشتند، علیه اعدام ها و سرکوب ها و جنایاتی که جمهوری اسلامی شروع کرد دست به اسلحه میبردند.

سیما بهاری: در حالیکه جنگ با جمهوری اسلامی در جریان بود از سال ۱۳۶۳ حزب دمکرات هم جنگی سراسری با کومه له را شروع کرد. چرا؟ جریان چه بود؟

اصغر کریمی: در آبان ۶۳ حزب دمکرات با کمین گذاشتن بر سر نیروهای مسلح در منطقه اورامان جنگی سراسری را با کومه له شروع کرد و در یک رشته عملیات نظامی و طبق نقشه و برنامه به تعدادی از مقرهای کومه له در این منطقه حمله کرد، بر سر راه پیشمرگان کومه له کمین گذاشت و آنها را به قتل رساند، یکی از مقرهای کومه له را به آتش کشید و ۹ نفر از پیشمرگان کومه له، بعضا مجروح، را در

مقر سپاه پاسداران در میوان را خلع سلاح کرده بودند. در سنج فقط چند هفته پس از قیام و قدرت گیری جمهوری اسلامی، شاهد نرور خونین سنج بودیم و بدنبال آن انواع تحکات و توطئه های حکومت شروع شده بود و در عکس العمل به این توطئه ها عملا قیامی تازه به رهبری کمونیست ها شروع شده بود. ۲۳ تیر سال ۵۸، خمینی فرمان هجوم نظامی به کردستان را داد تا از جمله کمونیستها را قلع و قمع کند و جلو سیر صعود نفوذ سیاسی آنها را بگیرد. در جایی مثل ترکمن صحرا هم مردم دست به اسلحه بردند و درگیری های نظامی رخ داد. در جنگل های شمال کشور هم تعدادی از کمونیست ها مشغول مبارزه مسلحانه شدند. اما در این مناطق اوضاع با کردستان تفاوت های زیادی داشت و به همین دلیل مبارزه مسلحانه در این مناطق توده ای نشد و دوام زیادی نیارود. در کردستان مردم توهمی به جمهوری اسلامی نداشتند و فضا یکپارچه علیه جمهوری اسلامی بود و بدلائل مختلف از جمله وجود مساله ملی و سنت کار نظامی تفاوت های بسیار زیادی با سایر نقاط کشور داشت. بهررو از اوایل سال ۵۸ یعنی چند هفته پس از سر کار آمدن جمهوری اسلامی لشکرکشی بیرحمانه و جنایتکارانه به کردستان شروع شد. با توپ و تانک و خمپاره شروع به کوبیدن مردم کردند، دادگاههای صحرایی به راه انداخت،

کشور چه بود؟ آیا راه دیگری نبود که به شکل دیگری مبارزه شود؟

اصغر کریمی: فعالیت نظامی هم بخشی از مبارزه انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی بود. بعد از سرنگونی حکومت شاه، انقلاب ادامه پیدا کرد. اعتراضات و اعتراضات کارگری گسترش می یافت، کارگران شوراهایشان را تشکیل میدادند، در دانشگاه ها تحکات سیاسی فوق العاده حادی جریان داشت، تظاهرات دهها هزار نفره و پرشور زنان در روز جهانی زن را داشتیم و مقاومت علیه فشارهایی که علیه آنان برای حجاب و غیره شروع شده بود. اما در کردستان سیر رویدادها متفاوت بود. از یک طرف ناسیونالیسم کرد فرصتی یافته بود که تحت عنوان خواست خودمختاری و رفع ستم ملی سهم خواهی کند و از طرف دیگر در دل تحولات انقلابی یک عده کمونیست انقلابی نیز پا به عرصه سیاست گذاشتند که علیرغم هر ناروشنی و آلودگی به ناسیونالیسم کرد، در مقابل سرکوبگری های حکومت دست به ایستادگی و سازماندهی مردم زدند. و به درست متوجه شدند که باید برای مقابله با توحش حکومت و جلوگیری از حاکمیت جمهوری اسلامی در کردستان دست به اسلحه ببرند. رژیم به میوان یورش برده بود و کمونیست های میوان کوچ تاریخی مردم را سازمان داده بودند و اولین

مختلف این منطقه شدم. زمستان ۶۳ حزب دمکرات جنگ سراسری با کومه له را شروع کرده بود. در این مقطع کمیته ناحیه سقز کومه له مشکلات عدیده ای داشت و مرتب نیرو از دست میداد. در اوایل تابستان سال ۶۴ در تماسی با کمیته مرکزی کومه له پیشنهاد کردم مسئولیت کمیته سقز را بعهده بگیرم که بلافاصله با پیشنهاد موافقت شد و بعنوان دبیر کمیته سقز شروع به فعالیت کردم. در کنگره پنجم کومه له که زمستان 64 برگزار شد بعنوان عضو کمیته مرکزی کومه له انتخاب شدم و در شورای نویسندگان رادیوی کومه له، به اسم رادیو صدای انقلاب ایران، و کمیته تشکیلات شهرهای کردستان سازماندهی شدم. مدتی بعد از آن مسئول دبیرخانه کومه له شدم و برای مدتی هم تا قبل از اینکه برای شرکت در کنگره سوم حزب به خارج کشور بیایم دبیر ناحیه مهاباد کومه له بودم.

سیما بهاری: قبل از اینکه به نقش منصور حکمت در سیاست نظامی بپردازیم اجازه بدهید این سؤال را طرح کنم چرا در کردستان مبارزه علیه جمهوری اسلامی حالت نظامی بخودش گرفت، چه ویژگی خاصی در این منطقه بود، در سایر نقاط کشور هم زنان، کارگران بیکار و غیره مبارزه با جمهوری اسلامی را شروع کردند اما چرا در کرستان جنگ شد؟ فرق کردستان با سایر نقاط

موقعی که منصور حکمت و صدها کادری که بعدا جدا شدند در کومه له و حزب کمونیست ایران فعالیت میکردند. شما در آن مقطع کجا بودید و مسئولیتهایتان چه بودند؟

اصغر کریمی: تابستان ۶۱ که از زندان جمهوری اسلامی آزاد شدم، بلافاصله به کردستان آمدم مثل خیلی از کمونیست ها و مبارزینی که برای جلوگیری از دستگیری و اعدام به مناطق آزاد در کردستان روی میاورند، مناطقی که تحت کنترل نیروهای مسلح کومه له بود. جایی که میتوانستند هم جانشان را نجات بدهند و هم فعالیت شان را ادامه بدهند. پس از یک دوره آموزش کوتاه به منطقه مهاباد فرستاده شدم و در یک دسته ای که در روستاهای "شهریوران" مهاباد در میان مردم کار سیاسی و تشکیلاتی میکرد سازماندهی شدم. مردم این منطقه خیلی هایشان در کوره خانه های خارج از کردستان کار میکردند و زبان فارسی را خوب میدانستند و در نتیجه منم که هنوز کردی نمیدانستم راحت میتوانستم با آنها صحبت کنم، در جمع های آنها سخنرانی کنم و اهداف کومه له و حزب کمونیست ایران را تبلیغ کنم. در این مقطع اساسا نقش مروج داشتم. پس از مدت کوتاهی به کنگره چهار کومه له دعوت شدم و سپس عضو کمیته ناحیه مهاباد، مسئول سیاسی گردان و مسئول کمیته های بخش های



WE STILL NEED *MARX*
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

چند نقطه متفاوت اعدام کرد. حتی نزدیک به ۲۰ نفر از هواداران غیر مسلح کومه له را دستگیر و زندانی کرد. هدف حزب دمکرات این بود که کومه له را مجبور به تخلیه منطقه اورامان کند. قبل از آنهم چندین بار علیه نیروهای کومه له کمین گذاشته بود اما اینبار عملاً اقدام حزب دمکرات به یک جنگ سراسری تبدیل شد. کومه له تلاش زیادی کرد که از راه سیاسی مساله را حل کند. هیئت هایی برای رسیدگی به این مساله تشکیل شد که با اسناد و شواهد موثق راهی برای کتمان مساله توسط دمکرات باقی نمیگذاشت. خواست کومه له این بود که مسئولانه این جنایت توسط حزب دمکرات به مردم معرفی شوند، محاکمه شوند و بعلاوه آزادی فعالیت سیاسی برای همه مردم و فعالیت کومه له از جانب دمکرات برسمیت شناخته شود اما این تلاش ها به جایی نرسید و حزب دمکرات به شیوه ای قلدرمنشانه زیر بار نرفت. جنایت حزب دمکرات و گسترش توطئه توسط این حزب و بن بست مذاکره و راه حل سیاسی، تشنج را به اوج خود رساند. این مقطعی بود که کومه له نمیتوانست سکوت کند، لازم بود زورگویی حزب دمکرات را مسلحانه جواب بدهد و مانع ادامه جنایات آن و نقض آزادی های مردم شود. سیاست کومه له بسیار مسئولانه و عادلانه بود. بدینترتیب متأسفانه جنگی که در آبان توسط حزب دمکرات به کومه له تحمیل شد در سراسر کردستان ادامه یافت که حدود چهار سال طول کشید و صدها نفر از نیروی دو طرف قربانی این سیاست حزب

دمکرات شدند.

به این ترتیب از آبان ۶۳ کومه له همزمان درگیر دو جنگ شد از یکطرف علیه جمهوری اسلامی و از طرف دیگر علیه یک نیروی پارتیزان. این دوره یکی از دشوارترین دوره های فعالیت کومه له بود. علت اصلی توطئه های حزب دمکرات علیه کومه له این بود که حزب دمکرات رو به ضعف و انزوا میرفت. بتدریج از نظر سیاسی موقعیتی بحرانی پیدا میکرد در حالیکه یک جریان سوسیالیستی به سرعت در حال رشد بود و اینهم بحران دمکرات را تشدید میکرد. علت پایه ای این مساله این بود که جامعه کردستان هم یک جامعه شهری بود، مثل سایر نقاط کشور سرمایه داری حاکم شده بود و فرهنگ و سنت های حزب دمکرات بسیار از جامعه عقب بود. جامعه ای که روزبروز افکار سوسیالیستی و پیشرو زمینه رشد مساعدتری پیدا میکرد. حزب دمکرات سرمایه داری بودن کردستان و وجود کارگران را انکار میکرد و عملاً در مقابل کارگران قرار میگرفت و از سرمایه داران کرد دفاع میکرد، سنت های عقب مانده ناسیونالیستی، مذهبی و ضد زن را دامن میزد و روزبروز با واقعیت جامعه شهری و مدرن کردستان بیشتر فاصله میگرفت. در مقابل روی آوری وسیعی به طرف کومه له شروع شده بود، نفوذ سیاسی کومه له در میان مردم شهر و روستا گسترش می یافت و سالانه صدها نفر به نیروی مسلح کومه له میپیوستند و حزب دمکرات تصور میکرد با حمله نظامی به کومه له و شکست نظامی کومه له میتواند جلو انزوای خود و

جلو رشد کومه له را بگیرد و خود را از این وضعیت نجات بدهد. اما بدلیل سیاست های هوشیارانه و مسئولانه کومه له، نفوذ و قدرت کومه له و کلا حقانیت کومه له، حزب دمکرات در عرصه نظامی هم شکست خورد و این به شکست سیاسی سختی برای دمکرات تبدیل شد و به انشعاب بزرگی در این حزب منجر شد.

سیما بهاری: بپردازیم به نقش منصور حکمت. کومه له همینطور که توضیح دادید درگیر دو جنگ بود. منصور حکمت خودش آن موقع کجا بود، اگر در کردستان نبود چطور میتوانست از فعالیتهای نظامی کومه له مطلع شود و نه تنها مطلع شود بلکه بتواند اشکالات را ببیند، نظر دهد، خط مشی بدهد و روی فعالیت نظامی کومه له تاثیر بگذارد؟

اصغر کریمی: منصور حکمت هم مثل خیلی از مبارزین دیگر در سال ۶۰ به مناطق آزاد کردستان آمد همراه با حمید تقوایی و سایر رهبری اتحاد مبارزان. نزدیکی های سیاسی کومه له و اتحاد مبارزان از قبل شروع شده بود و پس از آمدن رهبری اتحاد مبارزان به کردستان این نزدیکی بیشتر شد و سرانجام منجر به هم نظری کامل و تشکیل حزب کمونیست ایران شد که در کنگره موسس آن بخش هایی از جریانان فدایی و پیکار و ... هم شرکت داشتند. منصور حکمت یکی دو سال در کردستان بود و پس از رفتن به خارج کشور نیز از طریق مکاتبه و ملاقات با رفقای که به خارج رفت و آمد میکردند و همینطور سفر خود او به کردستان برای شرکت در کنگره های حزب و

کومه له، از نزدیک در جریان مسائل کومه له و از جمله فعالیت های نظامی و نظرات و مشکلات این عرصه قرار داشت و میتوانست نظر بدهد و تاثیر بگذارد.

سیما بهاری: منصور حکمت به پارتیزان ها یا پیشمرگان کومه له بعنوان انسانهایی که اسلحه بدست گرفته و در خطر دائم قرار داشتند چطور نگاه میکرد؟

اصغر کریمی: کلا انسان و جان انسان جایگاه ویژه ای در تفکر منصور حکمت داشت. در نتیجه ضمن اینکه فکر میکرد باید علیه جمهوری اسلامی فعالیت کرد از جمله در فعالیت نظامی هم علیه جمهوری اسلامی و هم علیه قلدری های حزب دمکرات شرکت کرد اما تلاش میکرد کومه له کمتر درگیر جنگ های دفاعی که طبق نقشه خود کومه له نبود و جنگ های پرتلفات بشود و تاکتیک های نظامی مناسب تری اتخاذ کند. یک سنت ریشه دار ناسیونالیستی در کردستان مخصوصاً کردستان عراق وجود داشت که کسی که وارد فعالیت نظامی میشد تا آخر عمر باید اسلحه روی دوشش باشد و اگر زمانی نتواند یا نخواهد در فعالیت نظامی باشد انگار دست از مبارزه کشیده است چون در این سنت ناسیونالیستی فعالیت نظامی همه چیز بود. در این سنت پیشمرگ ورودی داشت اما خروجی نداشت که سنتی بسیار غیر انسانی بود. منصور حکمت نظرش این بود که نباید در سنت ما یک نفر برای سالهای طولانی در خط مقدم جبهه باشد و بعد از مدتی که افراد در خط مقدم جبهه و مواجه با خطر جانی و مجروح شدن هستند باید به پشت جبهه منتقل شوند و رفقای

جدیدی جای آنها را بگیرند که آنها هم فرصت کنند ابعاد دیگری از زندگی را تجربه کنند، تجارب مبارزاتی خود را به دیگران منتقل کنند، و این نگاه متفاوتی بود نسبت به پیشمرگ بعنوان یک انسان.

سیما بهاری: کومه له هم زمان درگیر دو جنگ بود. با جمهوری اسلامی و با حزب دمکرات. نقش منصور حکمت در جنگ با جمهوری اسلامی و در جنگ با حزب دمکرات چه بود؟ اجازه بدهید ابتدا به نقش منصور حکمت در جنگ با جمهوری اسلامی بپردازیم. **اصغر کریمی:** اجازه بدهید خاطره ای بگویم از کنگره پنجم کومه له در زمستان ۶۵ که در کردستان عراق در یکی از اردوگاه های کومه له برگزار شد و بلافاصله بعد از آنهم کنگره دوم حزب بود. بیش از یکسال بود که جنگ با دمکرات ادامه داشت، اکثر مناطق آزاد و مناطقی که نیروی مسلح میتوانست در آنها رفت و آمد کند توسط جمهوری اسلامی اشغال شده بود، در روستاهای زیادی پایگاه و مقرات خود را دایر کرده بود، تحرک نیروهای جمهوری اسلامی بیشتر شده و برآمد انقلابی هم در کار نبود. جمهوری اسلامی جنبش کارگری و دانشجویی و کلا انقلاب را در سطح کشور سرکوب کرده بود، دهها هزار نفر را اعدام و فعالیت نیروهای اپوزیسیون را به شدت محدود کرده بود و بدرجات زیادی خود را تثبیت کرده بود و در نتیجه میتوانست با آمادگی بیشتری نیروی مسلح در کردستان را عقب براند و هرچه بیشتر مانع حضور آنها در میان مردم و تعرض به پایگاههای خود بشود. در چنین شرایطی امکان تحرک نیروی پیشمرگ

و گشت سیاسی و نظامی آن بشدت محدود شده بود. تقریباً همه جا اشغال شده بود، دیگر امکان حضور گردان های کومه له که تا این مقطع در دسته های ۱۰۰ و ۱۵۰ نفره در زمستان و تابستان حرکت میکردند و گاهی در شهرها حضور پیدا میکردند نبود. ابهام و بی افقی بر صفوف کومه له و کادرها و فرماندهان و کل نیروی مسلح کومه له حاکم شده بود هرچند زیاد از آن حرفی زده نمیشد. این وضعیت کاملاً در ذهنم هست. آتموقع مسئول ناحیه سفر بودم و علیرغم موفقیت های نظامی چشمگیری که در عرض یک سال داشتیم و در دی یا بهمن ۶۴ پایگاه بزرگی را هم در روستای جوشن بدون هیچ تلفات و مجروحی تسخیر کرده بودیم، ولی کاملاً احساس میکردیم که نیرویمان بی روحیه است یا بهتر بگویم بی افق است. میدیدند که در دل زمستان هم نیروهای سرکوب حکومت بلافاصله پایگاه خود را بازسازی میکنند و مقرات جدیدی دایر میکنند و دو ماه دیگر که بهار میشود و تحرک نیروی دشمن بسیار بیشتر میشود جایی برای ماندن و فعالیت کردن نمانده است. زمستان ها نیروی جمهوری اسلامی به میزان زیادی زمینگیر بود چون پایگاه توده ای نداشت و بسیار ضربه پذیر بود اما با اشغال هرچه بیشتر مناطق امکان تحرک حتی در زمستان هم بیشتر شده بود. منطقه آزاد یا نیمه آزادی که بتوان گشت سیاسی و نظامی داد نمانده بود و سراسر روستاهای کردستان اشغال شده بود. در صحبتی که با کادرهای کومه له در نواحی سنندج و مریوان و غیره داشتم متوجه شدم که آنها هم کم و بیش با چنین

مشغله ای مواجهند و از ناروشنی کادرها صحبت میکردند. این وضعیت نمیتوانست ادامه پیدا کند. باید راهی برای خروج از این وضعیت و تداوم مبارزه پیدا میکردیم. کمیته مرکزی کومه له هرچند محدودیت ها و مشکلات حضور در مناطق اشغالی را میدید اما تحولی در نحوه فعالیت را پیشنهاد نمیکرد و راه حل جدیدی ارائه نمیداد.

منصور حکمت پاسخ این مساله را خیلی روشن در کنگره پنج کومه له در زمستان سال ۶۴ داد. او تاکید کرد که فعالیت نظامی در کردستان یک پای جنبش انقلابی مردم است و باید شعله ور نگهداشته شود. مبارزه مسلحانه در کردستان مانع سلطه بلامنازع جمهوری اسلامی در کردستان شده، مبارزات توده ای را تقویت کرده و نفوذ یک جریان کمونیستی را گسترش داده است و تداوم آن مهم است اما شرایط تغییر کرده است و باید متناسب با شرایط تغییراتی در کار نظامی ایجاد کنیم. مرزها تقدسی ندارد. نیروی پیشمرگ و گردانها و کمیته ها و نیروی تدارک و غیره به این طرف مرز یعنی خاک عراق بیایند، در اردوگاه های کومه له بعنوان پایگاه خود مستقر شوند و هر چند وقت یکبار در دسته های بیست سی نفره چابک و زنده و رزمی برای مدت کوتاه چند هفته ای به داخل کردستان ایران بروند، در میان مردم حضور پیدا کنند، هر جا میتوانند عملیاتی انجام بدهند و مجدداً به پایگاه های خود بازگردند. لازم نیست همه دوازده ماه با تمام ابواب جمعی و اعضای کمیته ها که بعضاً وضعیت فیزیکی خوبی هم نداشتند، در مناطق اشغالی بمانند و درگیر جنگ

های دفاعی و تحمیلی شوند و ضربه بخورند. وزنه های متعددی که به پای نیروی پیشمرگ بسته شده باید برداشته شود و وظایف ساده تر و محدودتری به دوش آن گذاشته شود. با صحبت های منصور حکمت میشد دید که چطور کنگره نفس راحتی کشید و افق تازه ای پیدا کرد. خیال فرماندهان و کادرها راحت شد و بار سنگینی از دوش آنها برداشته شد. نگرانی عمیقی که در درون همه مسئولین و کادرها و فرماندهان کومه له بود با این تصمیم رفع میشد. این تصمیم در آن مقطع جسارت و تشخیص سیاسی بالایی میخواست. شاید الان درک این مساله خیلی راحت بنظر برسد ولی در آن مقطع این تصمیم بدلیل سابقه حضور همیشگی در مناطق مختلف کردستان، رقابت با حزب دمکرات و اهمیت مرزها! و کل سنت های رایج در آن دوره راحت نبود. میتوانست به حساب ترس و سرد شدن از مبارزه گذاشته شود. مدتها قبل از اینهم مساله مرز مطرح شده بود. موقعی که رهبری کومه له، که نیاز به تمرکز و جلسات داشت و امنیت لازم میخواست تا واحدهای خود را هدایت کند، رادیو خود را حفظ کند، تصمیمات سیاسی بگیرد و کل فعالیت سیاسی و نظامی نیروی خود را سازمان بدهد، این پیشنهاد مطرح شده بود که رهبری کومه له باید در کردستان عراق مستقر شود اما فشار سنت هایی که اشاره کردم مانع این شده بود، مقاومت شده بود و خیلی دیر این تصمیم گرفته شده بود. در حالیکه رهبری حزب دمکرات از مدتها قبل در کردستان عراق مستقر شده بود و داشت کارش را میکرد. مرزها که مقدس

نیست میتوان از آنطرف مرز نیروی خود را رهبری کرد. پیشنهاد منصور حکمت با استقبال رهبری کوم له مواجه شد و نیروی پیشمرگ کومه له از همان مقطع در اردوگاههای کومه له در کردستان عراق که به مرزهای کردستان ایران هم نزدیک بود مستقر شد. دسته های کوچک رزمی که از نظر فیزیکی میتوانست چند هفته به مناطق اشغالی برود و فعالیت کند به آنطرف مرز میرفت و نقشه این بود که نهایت تلاش برای جلوگیری از جنگ های دفاعی بعمل آید. این دسته ها طبق یک نقشه روشن حرکت میکردند، از قبل مناطقی را شناسایی کرده و عملیاتی میکردند، در میان مردم حضور پیدا میکردند و سپس به پایگاههای خود باز میگشتند.

با این سیاست تلفات بشدت پایین آمد. اما راهکاری که منصور حکمت در مقابل کومه له گذاشت فقط این نبود. منصور حکمت شهرها را مرکز اصلی مبارزه میدانست و تلاش میکرد که رهبری کومه له را متوجه اهمیت شهرها بکند. مبارزات کارگری و اعتراضات توده ای دو شاخه دیگر مبارزه بودند که باید به آنها توجه میشد. بر خلاف سنت ناسیونالیستی فعالیت فقط در بعد نظامی نبود. آنهم در حالیکه انقلاب و برآمد توده ای در کار نبود، نمیشد با فعالیت نظامی حکومت را عقب راند و یا انقلاب کرد. رهبری کومه له باید انرژی بیشتری صرف شهرها و مبارزات مردم در شهرها میکرد. که بعداً بیشتر به این میپردازم. علاوه بر این منصور حکمت بحثی که در کنگره مطرح کرد این بود که کومه له در اینطرف مرز خودش را باید شبیه دولتی نشان دهد

که به محض آمادگی شرایط برمیگردد و در شهرها مستقر میشود. کومه له باید چنین تصویر و ایمیجی از خودش نشان بدهد. این مجموعه نظرات تأثیرات زیادی بر سرنوشت کومه له گذاشت. تبلیغات جدید "رادیو صدای انقلاب" فعالین را در شهرها بیشتر متوجه خود و رویکرد جدید رهبری کومه له کرد. این در عین حال سرآغاز بحث های مهمی در کومه له شد. مباحث کمونیسم کارگری و کارگری شدن حزب و کومه له از همین مقطع بود که بطور همه جانبه ای توسط منصور حکمت شروع شد. تحت تأثیر این رویکرد کومه له بود که به همت فعالین کارگری مراسم بزرگی در اول مه سال ۶۶ در شهر سنندج برپا شد. این مقطعی بود که رهبری کومه له داشت بیشتر به نیروی اصلی خودش معطوف میشد. قبل از آن اساس هم و غم رهبری کومه له فعالیت نظامی و فضای روستاها بود که محل حضور بخش نظامی کومه له بود.

سیما بهاری: درمورد نقش منصور حکمت در جنگ با حزب دمکرات کردستان ابتدا توضیح بدهید که اصلاً جریان این جنگ چه بود و برخورد منصور حکمت به آن چگونه بود؟

اصغر کریمی: موقعی که جنگی طولانی میشود احتیاج به استراتژی دارد. هم جنگ با جمهوری اسلامی و هم جنگ میان دمکرات و کومه له طولانی شده بود. سال ۵۸ که جمهوری اسلامی به کردستان حمله کرد مردم و سازمان های سیاسی دست به اسلحه بردند، به روستاهای اطراف شهرها رفتند و جمهوری اسلامی که خیلی منفور بود و هیچ پایگاهی در

اجرائی کردن طرح خود و بیرون کردن حزب دموکرات از جنوب کردستان در این منطقه متمرکز کرد. لازم به توضیح است که حزب دمکرات قبل از آن بخش اعظم نیرویش را از شمال و جنوب کردستان در اردوگاه آژوان در مرکز کردستان ایران و عراق متمرکز کرده بود که به کومه له در جنوب کردستان حمله کند و کومه له را در جنوب شکست بدهد. اگر این اتفاق می افتاد، شکست کومه له در مناطق شمال کردستان که حزب دمکرات پایگاه قوی تری داشت دشوار نبود و کومه له در موقعیت بسیار ضعیفی قرار میگرفت. اما کومه له دست حزب دموکرات را خوانده بود و با نیروی کافی و نقشه کار شده در پاییز ۶۴ به آژوان حمله کرد و ضربه سختی به حزب دمکرات وارد آورد. پس از آن دمکرات در نقطه دیگری در همان منطقه پایگاه مجهزی ایجاد کرد اما کومه له با حمله ای غافلگیرانه به این اردوگاه که نامش را آژوان دو گذاشته بود ضربه بزرگتری به حزب دمکرات وارد کرد. این دو ضربه و فراری دادن نیروی دمکرات از این منطقه، تاثیر بسیار قابل توجهی بر صفوف دمکرات گذاشت. این شکستی نظامی و سیاسی برای حزب دمکرات بود و موقعیت ما را در جنوب کردستان بسیار تقویت کرد. برای حزب دمکرات هم از نظر سیاسی و هم نظامی حیثیتی بود که این ضربات را جبران کند و چند هفته بعد به تجمع کومه له در روستای نرملاس در جنوب کردستان حمله کرد تا شکست خود را جبران کند. نیروی کومه له در جنگی دفاعی که ساعتها به طول کشید تلفات سنگینی به

خلق کرد، حیاتی و اساسی است به این تفوق دست یابیم. نوعی تقسیم منطقه‌ای کردستان برای آنکه جنگ با حزب دمکرات به یک معضل فرعی تشکیلات تبدیل شود و لذا بخش اعظم نیروی ما برای کار کمونیستی و انقلابی با توده زحمتکشان آزاد شود ضروری است. واضح است که این سیاست منطقه‌ای در عین حال در تناسب قوای موجود، روشی برای گسترش نیروی نظامی ما نیز هست. بنابراین ملاک و شاخص موفقیت نظامی ما نه صرفا تلفات به نیروهای مسلح دشمن و فرسودگی او، بلکه اساسا اینها است. کاهش تدریجی و گام به گام آن درصد معین از نیروهای ما که برای حفظ این تعادل و تفوق منطقه‌ای مشخصا وظیفه انجام عملیات (درگیری، مانور، دفاع) علیه حزب دمکرات را دارند." این نگرش در کمیته مرکزی کومه له با استقبال مواجه شد و نقطه عطفی شد در جنگ میان کومه له و دمکرات و افق روشنی در مقابل نیروی مسلح کومه له و رهبری کومه له گذاشت. کمیته مرکزی کومه له به سرعت شروع به عملی کردن این رویکرد شد و تصمیم گرفت که نیروی خود را در جنوب کردستان که پایگاه اصلی ما بود متمرکز کند و حزب دمکرات را از این منطقه بیرون کند. در این مقطع من دبیر کمیته سقز کومه له بودم که همراه با دبیران سایر کمیته‌ها دیداری با رهبری کومه له در اردوگاه مرکزی کومه له داشتیم. در این نشست این بحث توسط ابراهیم علیزاده دبیر کمیته مرکزی کومه له مطرح شد و مدت کوتاهی پس از آن کومه له نیرویش را به قصد

است. حزب دمکرات یک نیروی اپوزیسیون است و جنگ ما اساسا با آن نیست. جنگ ما با جمهوری اسلامی است. حزب دمکرات دارد قلدری میکند و باید جواب قلدری اش را داد و مزاحمتش را رفع کرد تا بتوانیم کار اصلی مان را بکنیم یعنی مبارزه با جمهوری اسلامی، کار با توده ها و سازماندهی آنها، ترویج اهداف کمونیستی در میان مردم، حضور سیاسی در شهرها و غیره. هدف جنگ با دمکرات باید دفاع از کومه له بعنوان یک سازمان کمونیستی باشد و حفظ دستاوردهایی که به یمن سالها مبارزه بدست آورده ایم و پایان دادن به توطئه های نظامی این حزب. جنگ جنگ تا پیروزی و تلفات بیشتر استراتژی نیست. این یعنی تداوم نامحدود جنگ، تلفات بیشتر به نیروی خودی، عدم استقبال مردم از فراخوان های کومه له، تضعیف روحیه مبارزاتی مردم و پایین آمدن روی آوری به صفوف کومه له. تحمیل جنگ از طرف حزب دمکرات به کومه له فی الحال لطمات زیادی به جنبش انقلابی مردم و مبارزه علیه جمهوری اسلامی وارد کرده بود. منصور حکمت در نقد "سند جمع بندی از بحث ارزیابی ۵ ماه جنگ ما و حزب دمکرات" میگوید: "جنگ ما بر سر سرزمین نیست. سیاست جنگی ما، یک سیاست منطقه‌ای است. نیروی واقعی ما امکان یک تفوق همه‌جانبه و سراسری در کل کردستان بر حزب دمکرات را به ما نمی‌دهد. اما ما می‌توانیم و باید تلاش کنیم تا در مناطقی که برای موجودیت و فعالیت کومه‌له، به مثابه تشکل کمونیستی تمام کارگران کردستان و به مثابه رهبر جنبش انقلابی

خالی کرد، چگونه مردم را باید برای فشار به حزب دمکرات بسیج کرد و غیره. یک تصور رایج در رهبری کومه له بود که این جنگ بر سر کسب رهبری در جنبش انقلابی در کردستان است. منصور حکمت در مرداد سال ۶۴ در نوشته مفصلی این دیدگاه را که در سند "جمع بندی از بحث ارزیابی ۵ ماه جنگ ما و حزب دمکرات" توسط کمیته مرکزی کومه له تدوین شده بود، مورد نقد قرار داد. نوشته منصور حکمت به تحول بزرگی در سیاست نظامی، آرایش و تاکتیک های نظامی کومه له در مقابل دمکرات منجر شد. توضیح منصور حکمت این بود که اولاً "در دل این جنبش ملی بظاهر واحد، در واقع دو جنبش، دو رهبری و دو سلسله آمال و تمایلات سیاسی وجود دارد، یکی انقلابی، که حق تعیین سرنوشت را به مثابه جزئی از یک پروسه رهایی عمیق تر و اساسی تر تامین می‌کند، و دیگری رفرمیستی و یا حتی ارتجاعی، که از حق تعیین سرنوشت، اقتدار بورژوازی کرد را می‌فهمد. جدال این دو خط مشی نمی‌تواند مبارزه بر سر چیز واحدی تصویر شود، بلکه اساسا مبارزه دو چیز است. این همان مبارزه پرولتاریا و بورژوازی است که منتظر ختم مساله ملی نشده است." حزب دمکرات متعلق به جنبش ناسیونالیستی است و تعلق به جنبش انقلابی ندارد که هژمونی آن مورد جدال باشد. این از نظر سیاسی راست روی محسوب میشود. بعلاوه اگر هدف جنگ هژمونی باشد باید تا آخر با حزب دمکرات بجنگیم و این جنگ پایانی نخواهد داشت و این از نظر نظامی چپ روی

میان مردم نداشت، و از طرفی مردم وسیعا در مقابل حکومت به میدان آمدند و دست به اسلحه بردند، خیلی زود شکست خورد و نیرویش را از کردستان بیرون کشید. و سازمان های مسلح مجددا به شهرها برگشتند. دور بعدی یورش به کردستان ۲۸ مرداد سال ۵۹ بود، نیروهای مسلح از شهرها خارج شدند و همان تصور وجود داشت که با شکست جمهوری اسلامی پس از مدت کوتاهی دوباره به شهرها برمیگردیم. اما این اتفاق نیفتاد. جمهوری اسلامی در سایر نقاط کشور موقعیت خود را محکم تر کرده بود و برآمد انقلابی که تا آن مقطع در کردستان و سراسر کشور بود داشت فروکش میکرد در نتیجه صرفا با نیروی نظامی نمیشد جمهوری اسلامی را شکست داد. موقعی که جنگ کوتاه مدت مثلا یک ماه و دو ماه باشد بدون استراتژی هم میتوان جنگید اما جنگی که طولانی میشود و برای ماهها یا سالها بطول می‌انجامد، به استراتژی روشنی نیاز دارد. آیا فقط با فعالیت نظامی در غیاب یک برآمد توده ای میتوان حکومت را شکست داد که قطعاً جواب منفی بود بنابراین اولاً جایگاه فعالیت نظامی در چنین مقطعی چیست، ثانياً چه استراتژی و تاکتیک هایی باید بر آن حاکم باشد. نه تنها جنگ با جمهوری اسلامی بلکه جنگ با دمکرات هم طولانی شده بود و برای کومه له حیاتی بود که استراتژی و نقشه روشنی مقابل خود داشته باشد. هدف جنگ چیست، شرایط پیروزی چیست، کجا میتوان جنگ را خاتمه داد، تاکتیک های جنگ در این راستا چه باید باشد، کجا باید نیرو را متمرکز کند و کدام منطقه را باید

نیروی حزب دمکرات وارد کرد و علیرغم اینکه چندین نفر از نیروی نظامی کومه له نیز جانشان را از دست دادند اما حمله دمکرات به شکست سختی برای این حزب تبدیل شد. برخی واحدهای حزب دمکرات از هم گسیخته شدند، روحیه نیروهای آنها در پایین ترین موقعیت خود قرار گرفت، رهبری حزب دمکرات کاملا آشفته و سردرگم شده بود و توان جبران این خسارات را نداشت. این نقطه عطفی نظامی هم برای حزب دمکرات و هم برای ما بود.

بدنبال این ضربات، حزب دمکرات مجبور شد جنوب را تخلیه کند و راه برای فعالیت کومه له علیه جمهوری اسلامی بدون مزاحمت حزب دمکرات هموار شد. کمیته های کومه له افق روشنی در این جنگ پیدا کرده بودند و شروع به کار عادی و قبلی خود علیه جمهوری اسلامی و در میان مردم کردند و جنگ با دمکرات عملا حاشیه ای شد.

ناکامی های نظامی پشت سر هم، بحران حزب دمکرات را تشدید کرد و به انشعاب بزرگی در این حزب منجر شد. نزدیک به نیمی از حزب دمکرات از آن جدا شد و به کومه له اعلام کرد که با شما سر جنگ نداریم. حزب دمکرات به اوج ضعف و ناتوانی سیاسی و نظامی رسیده بود. اینجا بود که منصور حکمت ایده بسیار هوشیارانه و تیز سیاسی را به کمیته مرکزی کومه له پیشنهاد کرد. منصور حکمت تشخیص داد که الان وقت اعلام آتش بس با دمکرات است و این را به کمیته مرکزی کومه له پیشنهاد کرد. ظرفیت بالای رهبری سیاسی منصور حکمت در چنین

لحظاتی بیشتر خود را نشان میداد. کومه له پیروزی های نظامی بدست آورده بود و دمکرات از نظر نظامی ناکام شده بود، نقشه کومه له برای حاشیه ای کردن جنگ با دمکرات عملی شده بود و با منطقه ای کردن جنگ افق روشنی مقابل کومه له قرار گرفته بود و برعکس حزب دمکرات دچار سردرگمی و انشعاب شده بود. باید تصمیمی تاریخی گرفته میشد تا موفقیت های تاکتونی اعلام و تثبیت میشد. یادم است در یک غار در حاشیه اردوگاه مالومه که امنیت بالایی در مقابل بمباران های احتمالی جمهوری اسلامی داشت جلسه کمیته مرکزی کومه له برگزار شد و این ایده را ابراهیم علیزاده از طرف منصور حکمت به این نشست ارائه داد. عبدالله مهتدی و دو نفر دیگر از اعضای کمیته مرکزی به این پیشنهاد رای منفی دادند اما اکثریت بالای کمیته مرکزی کومه له از آن استقبال کرد و این تصمیم به تصویب رسید. طرح این بود که کومه له آتش بس یکطرفه را اعلام میکند و در عین حال هوشیاری خود را در مقابل حملات احتمالی دمکرات حفظ میکند. بیانیه آتش بس را خود منصور حکمت نوشت و کمیته مرکزی کومه له پای آن امضا گذاشت و در رادیو صدای انقلاب در اردیبهشت سال ۶۷ قرائت شد.

این اقدام موفقیت سیاسی بزرگی برای کومه له به شمار میامد. کوم له از موضع قدرت و برتر و از موضع یک نیروی پیروز اعلام آتش بس میکرد. این اعلام پیروزی نظامی بر حزب دمکرات بود و در عین حال اعلام پیروزی سیاسی بر این حزب. این تصمیم احساس مسئولیت

کومه له را در قبال مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی نشان میداد و اعتبار و اتوریته سیاسی کومه له و حقانیت آنرا در میان مردم بالا برد. بحران سیاسی حزب دمکرات با این تصمیم کومه له باز هم عمیقتر شد. این نقطه عطفی سیاسی به نفع کومه له و کمونیسم در کردستان بود. قبلا توضیح دادم که بدلیل حاکمیت سرمایه داری و رشد طبقه کارگر و شهری شدن جامعه کردستان زمینه های اجتماعی رشد کمونیسم فراهم شده بود. اما این خودبخود اتفاق نمی افتاد. یک نیروی سیاسی کمونیست لازم بود تا این زمینه را به یک واقعیت سیاسی تبدیل کند. این تصمیم صرفا یک اتفاق نظامی نبود. یک اتفاق سیاسی مهم به نفع کومه له و کمونیسم در مقابل ناسیونالیسم کرد بود. برای اولین بار بود که بیکه تازی و قلدری یک حزب بورژوازی علیه یک نیروی کمونیست در هم میشکست و ابعاد قدرت اجتماعی یک نیروی کمونیست را به مردم نشان میداد.

با این توضیحات نقش منصور حکمت در روشنی بخشیدن به استراتژی جنگ با دمکرات و مسیر این جنگ روشن است. اگر این تحول در کومه له صورت نگرفته بود، جنگ بدون هدف و تمرکز روشنی صورت میگرفت، تلفات بیشتری به بار میآورد و پیروزی کومه له متحقق نمیشد.

دو مثالی که از نقش منصور حکمت در زمینه فعالین نظامی علیه جمهوری اسلامی و علیه حزب دمکرات توضیح دادم، نقش و تاثیر عمیق و مهم منصور حکمت در این زمینه را بخوبی نشان میدهد. اما همه نقش منصور

حکمت فقط این دو مورد نبود. کلا منصور حکمت تلاش زیادی در طول سالیان دراز انجام داد تا فعالیت ها نقشه مند و هدفمند شود، از نظامی گری کاسته شود، از تلفات کاسته شود و اهمیت سیاسی فعالیت های نظامی برجسته شود. از جمله نقش موثری در تهیه نقشه ای داشت که مناطق را به منطقه آزاد، نیمه آزاد و اشغالی تقسیم میکرد و نحوه فعالیت در هر یک از این مناطق را توضیح میداد. یک نقد دائمی منصور حکمت، نقد نظامی گری و رقابت با حزب دمکرات بود. گرایشی که ضربات سنگینی به کومه له از جمله در منطقه ارومیه و یا بعدتر در حلبچه به بار آورد. یا در زمینه رفتار نیروی نظامی با مردم تاکیدات مهم و موثری داشت و این به محبوبیت نیروی پیشمرگ کومه له و جذب جوانان به آن موثر بود.

سیما بهاری: قطعا جایگاه فعالیت نظامی در کل فعالیت کومه له موضوع مهمی بود که در سیاست جنگی و تاکتیک های نظامی کومه له چه در جنگ با جمهوری اسلامی چه جنگ با حزب دمکرات باید در نظر گرفته میشد. منصور حکمت چه تعریفی از این جایگاه داشت؟

اصغر کریمی: همینطور که اشاره کردم در کنگره پنج روی جایگاه فعالیت نظامی بعنوان تنها یک شکل، هرچند یک شکل مهم، فعالیت کومه

له مورد تاکید قرار گرفت. اما زمان لازم داشت تا این خط و جهتگیری بر فعالیت کومه له اعم از فعالیت نظامی یا سیاسی و تبلیغی حاکم شود. گام بعدی در این راستا کنگره ششم کومه له در اردیبهشت ۶۷ بود. منصور حکمت در این کنگره حضور نداشت اما قطعنامه ای تحت عنوان استراتژی ما در جنبش کردستان به این کنگره ارائه داد و ابراهیم علیزاده بعنوان مدافع آن در کنگره صحبت کرد و این قطعنامه به تصویب کنگره رسید.

از نظر منصور حکمت یک نیروی کمونیست شالوده هایش در محیط های کارگری و در اعتراضات کارگری است. فعالیت سیاسی در میان کارگران، سازماندهی آنان، جا انداختن مطالبات روشن در مبارزات آنها و همینطور سازماندهی زنان و یا جنبش رهایی زن و سایر مبارزات حق طلبانه مردم. اما در عین حال یک جریان کمونیست در مقطعی که لازم باشد دست به فعالیت نظامی هم میزند. بهررو در قطعنامه کنگره ششم تاکید شده است که اساس فعالیت کومه له و اساس نیروی آن در شهرها است. شهرها کانون اصلی اعتراض سیاسی و توده ای و مرکز ثقل جنبش انقلابی هستند و طبقه کارگر و زحمتکشان شهری و روستایی نیروی محرکه اصلی جنبش انقلابی در کردستان را تشکیل میدهند و سرنوشت

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

نهایی جنبش انقلابی در شهرها تعیین میشود. فعالیت نظامی هم یک رکن دیگر فعالیت کومه له را بعنوان یک جریان کمونیست تشکیل میدهد. قطعنامه فعالیت نظامی کومه له را سر جای خود میگذاشت و تاکیدات مهمی روی نیروی اصلی کومه له در شهرها میگذاشت. بویژه در شرایطی که با اشغال کامل کردستان محدودیت های نظامی هرچه بیشتری در مقابل کومه له ایجاد شده بود، این رویکرد اهمیت بیشتری پیدا میکرد و نمیگذاشت که صفوف کومه له همراه با محدودیت فعالیت نظامی، احساس شکست کند.

بدین ترتیب نطفه عطفی که از کنگره پنجم کومه له شروع شده بود در این کنگره به سرانجام رسید و گرایش چپ در مقابل گرایش ناسیونالیستی که روزبروز بی افق تر میشد، موفقیت بزرگی بدست آورد. قطعنامه دیگری هم درمورد حزب دمکرات توسط منصور حکمت به کنگره ارائه شده بود که تحلیل روشنی از حزب دمکرات و سیاست کومه له در قبال آن بود. این قطعنامه نیز به تصویب کنگره رسید.

اما در این مقطع جنگ ایران و عراق نیز به پایان خود نزدیک میشد و محدودیت های بیشتری خود را نشان میداد که باعث شد گرایش ناسیونالیستی تحرک بیشتری پیدا کند و پس از سالها سکوت بتدریج به حرف بیاید. این موضوع در مباحث دیگری توسط منصور حکمت مفصلا به آن پرداخته شده و اینجا فرصت بحث حول آن نیست.

سیما بهاری: با سنت های ناسیونالیستی در فعالیت نظامی کومه له چه برخوردی داشت؟ اصلا این سنتها چگونه خود را نشان میداد؟

اصغر کریمی: بخشی از این سنت را در پاسخ به سوال قبل توضیح دادم که چگونه شهرها در فعالیت کومه له حاشیه ای شده بود و چگونه مبارزه کارگران و توده های زحمتکش و سازماندهی آنها جایگاه کمی در مشغله های رهبری کومه له داشت. از نظر منصور حکمت کومه له به پایگاه اصلی خود که در شهرها است توجهی ندارد، به وجوه مختلف آن نمیپردازد، روی آن سرمایه گذاری نمیکند و تمام هم و غمش را فعالیت نظامی تشکیل میدهد و این باید عوض میشد. با یک برآمد انقلابی و حضور توده های وسیع مردم در شهرها اساسا میتوان حکومت را انداخت و نه صرفا با فعالیت نظامی یک سازمان و در مقطعی که شاهد چنین برآمدی نبودیم فعالیت نظامی باید بعنوان یکی از عرصه های فعالیت کومه له مورد توجه قرار میگرفت نه اساس کار آن. با فعالیت همه جانبه در شهرها است که در یک برآمد انقلابی نیروی نظامی کومه له هم میتوانست بسرعت رشد کند و نقش مهمی در سرنگونی جمهوری اسلامی بازی کند.

یک وجه دیگر سنت ناسیونالیستی نحوه برخورد به نیروی انسانی بود. منصور حکمت نظرش این بود که وقتی شما افراد را برای سالهای طولانی در خط مقدم فعالیت نظامی قرار میدید که بی وقفه در خطر کشته

شدن قرار دارد و هر لحظه فکر کند امروز یا فردا کشته میشود، بتدریج روحیه بشاش و سازندگی را از دست میدهد و بعنوان یک انسان نمیتواند به سایر وجوه زندگی فکر کند. بعلاوه فضای چنین احزابی اینطور میشود که کسی نمیتواند اعلام خستگی از فعالیت نظامی کند چون به حساب ترس گذاشته میشود. اما این نیاز که بیان هم نمیشود بتدریج خود را در قالب های نادرستی بروز میدهد، یا به تئوری تراشی های نادرست درمورد اینکه اصلا فعالیت نظامی درست نیست می انجامد که همین اتفاق توسط جمعی از کادرهای کومه له اتفاق افتاد و یا به بی روحیه گی، به عدم انسجام و مقاومت در مقابل سیاست های آن سازمان و غیره می انجامد. این یک برخورد بسیار انسانی به نیروی پیشمرگ بود که حق دارد بعد از چند سال فعالیت در عرصه نظامی فرصت کند ابعاد دیگری از زندگی را هم تجربه کند، تشکیل خانواده بدهد، یا تحصیل کند، به جای دیگری برای زندگی از جمله خارج کشور برود و مبارزه اش را در اشکال دیگری ادامه بدهد و یا فرصت کند تجاربش را به دیگران منتقل کند. این بحث ها نه تنها در صفوف کومه له با استقبال مواجه شد بلکه حتی در صفوف پیشمرگان حزب دمکرات هم تاثیر گذاشت و توقعات تازه ای را در میان آنها نیز دامن زد.

سیما بهاری: تقریبا به همه نکاتی که مد نظر من بود پرداخته شد اگر نکته دیگری

باقی مانده میتوانید کوتاه صحبت کنید.

اصغر کریمی: ضمن تشکر از فرصتی که برای این بحث در اختیار من قرار دادید، کلا جنبه های مختلف این مساله به بحث های بیشتری احتیاج دارد از جمله دقایع جنگ با دمکرات یا استراتژی و تاکتیک های نظامی در مقابل جمهوری اسلامی و سیر رویدادها در دهه اول حکومت اسلامی، پیروزی های سیاسی و نظامی علیه جمهوری اسلامی و یا سنت های ناسیونالیستی که اشاره کردم. همینطور جایگاه کومه له در آن دوره و تفاوتی که کومه له امروز با کومه له آن دوره دارد از جمله مباحثی است که امیدوارم در برنامه های دیگری به آن پرداخته شود. من خواستم تصویری از نقش منصور حکمت در عرصه نظامی بدهم و اینجا اجازه بدهید دو نکته مهم را خیلی کوتاه اشاره کنم. بعد از اینکه جریان کمونیسم کارگری یعنی بخش اعظم کادرهای کومه له در سال ۱۳۷۰ شمسی (۱۹۹۱ میلادی) از کومه له جدا شدند و در حزب کمونیست کارگری متشکل شدند، ناسیونالیست های درون و بیرون کومه له سعی کردند با موضعی بسیار شونیستی این را القا کنند که منصور حکمت چون فارس بود عامل جنگ با حزب دمکرات بود. خوشبختانه اسنادی که در طول این مصاحبه به آن اشاره کردم مانع شد که این تصویر ناروا و غیر منصفانه جایی باز کند. اتفاقا برعکس، در مقابل رویکردی که اساسا توسط عبدالله مهتدی نمایندگی

میشد و دورنمایی برای پایان جنگ با دمکرات نداشت و جنگ جنگ تا پیروزی میکرد، منصور حکمت در نقد این رویکرد تاکید کرد که باید جنگ با دمکرات را حاشیه ای کنیم و به فعالیت علیه جمهوری اسلامی بپردازیم و خود او بود که ابتکار آتش بس یکطرفه را به رهبری کومه له پیشنهاد کرد. نکته دیگر اینکه رهبری کومه له بعد از جدایی کمونیسم کارگری شروع به تحریف نقش منصور حکمت کرد که گویا منصور حکمت فقط مقاله مینوشته و در عرصه تئوریک فعالیت میکرد، در حالیکه هیچکس به اندازه منصور حکمت در زندگی واقعی و روزمره کومه له و زندگی پیشمرگان کومه له نقش نداشته است. البته نقش عظیم تئوریک و سیاسی منصور حکمت نیز توسط رهبری کومه له نادیده گرفته میشود، بازگو نمیشود، از جمله نقش و تاثیر که منصور حکمت در فعالیت نظامی کومه له در جنگ با جمهوری اسلامی و حزب دمکرات داشت.

در این بحث من گوشه هایی از نقش منصور حکمت را توضیح دادم و امیدوارم این بحث توسط رفقای دیگری که در این تاریخ حضور داشته اند همه جانبه تر باز شود تا نسل امروز که در شهرهای کردستان مبارزه میکند و حتی فعالینی که امروز در صفوف کومه له هستند و آوار تحریفات بر سرشان خراب شده است، متوجه نقش عظیم و تاریخی منصور حکمت بر سرنوشت سیاسی و نظامی کومه له بشوند.*

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

از گروه فشار تا حزب سیاسی

مجموعه ۵ مقاله و سخنرانی از

منصور حکمت



از گروه فشار تا حزب سیاسی

مجموعه ۵ مقاله و سخنرانی از
منصور حکمت

۱- حزب و جامعه: از گروه فشار تا حزب سیاسی

۲- جنبش سلبی و اثباتی

۳- آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است؟

۴- این حزب شما است

۵- سخنرانی در گوتنبرگ سوئد

این مجموعه شامل مقالاتی از منصور حکمت است که مستقیماً به موضوع قدرت سیاسی و شیوه و متدولوژی کمونیسم کارگری برای تأمین رهبری جامعه و کسب قدرت سیاسی مربوط میشود.

مقاله "حزب و جامعه: از گروه فشار تا حزب سیاسی" اساس دیدگاه و متدولوژی کمونیسم کارگری برای کسب رهبری را اساساً در تمایز از نیروهای چپ غیر کارگری که در بهترین حالت بعنوان "گروههای فشار" عمل میکنند توضیح میدهد. نظریه حزب و جامعه سنگ بنای استراتژی حزب و پراتیک ما در تحولات سیاسی، در جنبش سرنگونی و در جنبشهای اعتراضی جاری در جامعه است.

مقاله جنبش سلبی و اثباتی، که موضوع یک سمینار شفاهی درون حزبی بود، به متدولوژی کمونیسم کارگری در برخورد به جنبش سرنگونی و انقلاب میپردازد. این بحث تازه و کاملاً متفاوتی از درک و شیوه سنتی چپ در برخورد به انقلابات است و نقش کلیدی ای در امر تأمین هژمونی و رهبری کمونیستی انقلاب ایفا میکند.

مقاله سوم این مجموعه، "آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است" مشخصاً به تحلیل و بررسی جنبشهای سیاسی-طبقاتی جاری در ایران و نقاط ضعف و قوت هر یک در جامعه و امکان و توان آنها برای تأمین رهبری و کسب قدرت سیاسی میپردازد. این نوشته نیز حاوی نکات مهمی در تعیین استراتژی کمونیستی در شرایط مشخص جامعه ایران است.

دو مقاله آخر متن اولین سخنرانی های علنی منصور حکمت در خارج کشور، در شهرهای استکهلم و گوتنبرگ سوئد، است که بعداً در جزوه ای تحت نام "این حزب شماست" منتشر شد. این نوشته ها یک تصویر زنده و رادیکال و عمیق کمونیستی از رابطه کمونیسم و جامعه و آمل انسانی توده مردم بدست میدهد و میتوان آنرا یک تبیین و تبلیغ و فراخوان کمونیستی جذاب و عمیق مبتنی بر دیدگاه و نظرانی دانست که در سه نوشته بالا توضیح داده شده است. بجز مقاله حزب و جامعه نوشته های دیگر همه سمینارها و سخنرانی های منصور حکمت است که بعد از درگذشت او کتبی شده است. اودیوی این مطالب نیز در سایت منصور حکمت قابل دسترسی است.

مجموعه این نوشته ها معرف یک دیدگاه و سیستم فکری است که یک خود ویژگی کمونیسم کارگری در شیوه دخالتگری در تحولات انقلابی و تأمین هژمونی کمونیستی است. اشراف و اتکا به این دیدگاه و عملکرد به آن بخصوص در شرایط حاضر که تحولات زیر و روکننده ای در راه است جایگاه و اهمیت ویژه ای پیدا میکند. مطالعه مجدد و تعمق در مورد این نوشته ها را به همه فعالین حزبی و به همه کمونیستهای که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی کمونیسم در ایران هستند توصیه میکنم.

حمید تقوائی

۱۰ جون ۲۰۱۹، ۲۰ خرداد ۱۳۹۸



این کتاب در حال حاضر بصورت آنلاین در سایت ها و صفحات حزب کمونیست کارگری قابل دسترس است. بزودی به چاپ میرسد و علاقمندان میتوانند از طریق واحدهای حزب کمونیست کارگری آنرا تهیه کنند.